

The Battlefield Is Not the Persian Gulf — The Battlefield Is Iran’s Constitution

Bombs can destroy cities—but only a constitutional shift can end a conflict.

March 19, 2026

Mr. President,

On the eve of the Iranian New Year, a moment traditionally associated with renewal and reflection, it is important to ask a fundamental question: what kind of change truly brings stability?

No matter how powerful the bombs or how high the casualties, the eight clauses embedded in the Constitution of the Islamic Republic of Iran—clauses that institutionalize hostility toward the United States—will remain unchanged.

By identifying these eight clauses and calling for a formal narrative around two fundamental demands in the United States Senate, we seek to redirect attention to the true source of the conflict: the constitutional framework itself. This is not theoretical—it is grounded in decades of internal resistance within Iran.

From the Green Movement to the declaration of the “Fourteen,” from the Woman, Life, Freedom movement to organized statements by groups of 800 activists, 17 women, and more recently 400 signatories, a consistent and unified demand has emerged: the formation of a Constitutional Assembly and the rewriting of the current constitution.

A strategic shift in U.S. policy—calling explicitly for the revision of these eight anti-American clauses—would transform the narrative from military confrontation to constitutional reform. This is the only viable long-term path toward resolving the crisis in Iran and stabilizing the Middle East.

It is also critical to understand the ideological dimension. For those who adhere to the doctrine of “Velayat-e Faqih”, eliminating a leader does not weaken the system—it strengthens it. Martyrdom reinforces legitimacy, and the constitutional authority behind it is enforced with even greater intensity.

Therefore, the battlefield must shift.

Not the Persian Gulf.

Not military escalation.

But the Constitution itself.

If there is to be a meaningful “gift” to the Iranian people at this turning point of the year, it will not come from force—it will come from a shift in focus: from war to constitution.

The Constitution of the Islamic Republic of Iran must be challenged—not with bombs, but through sustained, precise, and public scrutiny in the United States Senate. A formal congressional examination of these clauses will expose the structural roots of hostility and clarify where the true conflict lies.

Once this reality is understood, the focus of U.S. policy can shift accordingly—and the foundation will be laid for unified, decisive legislative action.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

میدان نبرد خلیج فارس نیست — میدان نبرد، قانون اساسی ایران است

بمب‌ها می‌توانند شهرها را ویران کنند، اما تنها تغییر قانون اساسی می‌تواند یک بحران را پایان دهد.

نوزدهم مارس 2026

جناب آقای رئیس‌جمهور،

در آستانه سال نو ایرانی — زمانی که همواره با نوسازی و تأمل همراه است — این پرسش اساسی مطرح می‌شود: چه نوع تغییری می‌تواند واقعاً ثبات ایجاد کند؟

صرف‌نظر از قدرت بمب‌ها یا میزان تلفات، هشت بند موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران — که خصومت با ایالات متحده را نهادینه کرده‌اند—تغییری نخواهند کرد.

با اشاره مشخص به این هشت بند و درخواست شکل‌گیری یک گفت‌وگو رسمی پیرامون دو مطالبه بنیادین در سنای ایالات متحده، هدف ما هدایت توجه به ریشه واقعی بحران است: ساختار قانون اساسی. این موضوع صرفاً نظری نیست، بلکه ریشه در دهه‌ها مقاومت در داخل ایران دارد.

از جنبش سبز تا بیانیه «چهارده نفر»، از جنبش «زن، زندگی، آزادی» تا بیانیه‌های جمعی شامل ۸۰۰ فعال، ۱۷ زن، و اخیراً ۴۰۰ امضاکننده، یک مطالبه واحد و مستمر شکل گرفته است:

تشکیل مجلس مؤسسان و بازنویسی قانون اساسی.

یک تغییر راهبردی در سیاست ایالات متحده — با تمرکز صریح بر اصلاح این هشت بند ضدآمریکایی — می‌تواند روایت را از تقابل نظامی به اصلاح قانون اساسی تغییر دهد. این تنها مسیر پایدار برای حل بحران ایران و ایجاد ثبات در خاورمیانه است.

همچنین درک بُعد ایدئولوژیک ضروری است. برای باورمندان به «ولایت فقیه»، حذف یک رهبر موجب تضعیف نظام نمی‌شود، بلکه آن را تقویت می‌کند. شهادت، مشروعیت می‌آفریند و چارچوب قانون اساسی با شدت بیشتری اجرا می‌شود.

بنابراین، میدان نبرد باید تغییر کند.

نه خلیج فارس.

نه تشدید نظامی.

بلکه خود قانون اساسی.

اگر قرار باشد «هدیه‌ای» واقعی برای مردم ایران در این مقطع از سال وجود داشته باشد، این هدیه نه از مسیر جنگ، بلکه از تغییر تمرکز حاصل می‌شود: از جنگ به قانون اساسی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید نه با بمباران، بلکه از طریق بررسی دقیق، مستمر و علنی در سنای ایالات متحده به چالش کشیده شود. چنین بررسی‌ای ریشه‌های ساختاری خصومت را آشکار خواهد کرد و محل واقعی بحران را مشخص می‌سازد.

با درک این واقعیت، تمرکز سیاست ایالات متحده تغییر خواهد کرد و زمینه برای اقدام قانون‌گذاری قاطع و هماهنگ فراهم می‌شود.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا